

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۰۴ دسمبر ۲۰۱۷

ترجمه

السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۲۰

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة چهل

آنست: که کسب کردن به حال ضرورت فریضه بینی قوله تعالى عزوجل: وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ وَجَای دیگر گفت: وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وَكسب کردن به قول بعضی فقهای ما سنت است. وکسب ناکردن ونادیدن، هوا وبدعت است. وروزی ازکسب دیدن کفر است. روزی ازخدای باید دیدن. قوله تعالى: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ. بدان که روزی ازکسب زیاده نشود واز کسب ناکردن روزی کم نشود. وحق تعالی روزی دهد نیک وبدرا، بدان را به جهت بدی ایشان روزی نکاهد ونیکان را به جهت نیکی ایشان در روزی نیفزاید. زیراآنکه روزی تقدیر کرده است وقسم یاد کرده. قوله تعالى عزوجل: فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ. وجای دیگرگفت: وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ. وجای دیگر گفت قوله عزوجل: وَبَارَكْ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنْزِلَ. وجای دیگر گفت: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ. وبعضی گفتند: حق تعالی کسب فرمود، تابنده به فساد مشغول نشود. وحق تعالی تندرست فارغ را دشمن دارد. که نه کار این جهان کند و نه کار آن جهان. پس این مقدار بس بود خردمندرا.

مسألة چهل ویکم

آنست: که بدانی که عمل از ایمان نیست، وایمان طاعت است و نه هر طاعت ایمان است. چنان که کفر معصیت است، و نه هر معصیت کفر است. وقرآن و اخبار بدین ناطق است ومتواتر وهم متواحد احکام عقل. اماکتاب: قوله عزوجل: وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُنْیَهُ وَرُسُلِهِ. گفت به من گروید و عمل یاد نکرد. وجای دیگر گفت: قوله تعالى: قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ. وعمل یاد نکرد. وجای دیگر گفت: رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ، أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ. وعمل یاد نکرد.

وجبرئیل علیه السلام پرسید رسول را علیه الصلوة والسلام که : مَا الْإِيمَانُ؟ ایمان چیست؟ گفت: أَنْ تَوُفَّ مِنْ بِلَهِ. آن که به خدای عزَّوَجَلَّ بگروی و عمل یاد نکرد. وگفت: مَا الْإِسْلَامُ؟ اسلام چیست؟ گفت: گردن نهادن مر نماز و روزه و زکوة و حج را، و آنچه بدین ماند. نه بینی که از ایمان جدا پرسید، و از شریعت جدا.

و رسول گفت علیه الصلوة والسلام، معاذ بن جبل را که: یا معاذ! بانگ نماز کن مردم را تا هر که بگوید باخلاص: لا إله إلا الله. بهشت آن را واجب شود. و رسول علیه الصلوة والسلام در خطبه گفت: هر که بگوید: لا إله إلا الله محمد رسول الله. بهشت آن را واجب شود.

نبینی: که رسول علیه الصلوة والسلام، در احکام شریعت فرمود: که اگر مردی بمیرد و بروی نماز یا روزه یا حج باشد، از پس وفات آن حج کن از بهر آن. و هر نماز را دامن گندم دهند. و هر روزه ماه رمضان دامن گندم بدهند به جای آن بود. اما اگر کافر بمیرد و همه اموال دنیا از بهر آن دهند، به جای هیچ چیز ننشیند.

پس دانستیم: که عمل از ایمان نیست. ایمان دیگر است و طاعت دیگر. اگر ایمان طاعت بودی، بعضی در حیوة و بعضی بعد از حیوة کرده شودی. نبینی: که هر پیغمبری را شریعتی دیگر و ایمان یکی. اما به شریعت مختلف بودند. پس دانستیم: که عمل از ایمان نیست.

اما روان باشد که یکی از ایشان را ایمان بیشتر داری، و یکی را کمتر داری! و نبینی که ایمان بردوام است و عمل بردوام نی. اگر مردی نماز پیش از وقت کند و روان باشد، و روزه پیش از ماه رمضان بدارد روا نبود. و اگر کافری همه طاعتها کند پیش از گرویدنش مؤمن نگردد. زیرا که ایمان پیش از شرایع باید. اما کودک نارسیده تا رسیده نگردد، و دیوانه تاهشیار نگردد، و خفته تا بیدار نگردد، بر ایشان نماز نیست و مؤمن اند.

پس دانستیم: که عمل از ایمان نیست و اگر کافری در مزبله ایمان آرد روا باشد، و اگر نماز کند و روان باشد. نبینی: که جنب یا زن حایضه نماز کند و روان باشد. چه گوئی مؤمن باشند ایشان یا کافر؟ و اگر کافر جنب یا حایض ایمان آرند روا باشد. و اگر در همین حال نماز کند و روان باشد. و نیز چه گوئی: مؤمنان در بهشت مؤمن باشند یا نی؟ اگر مؤمن باشند بعضی باشند یا به همه؟ زیرا که بهشت نه جای عمل است، در بهشت همه اعمال از بندگان برخیزد، نه نماز بود، نه روزه، نه فرائض و نه سنت. پس اگر عمل از ایمان بودی، بایستی که در بهشت از این اعمال خیر چیز بکردندی.

پس درست شد: که عمل از ایمان نیست. نبینی: که سحره فرعون ایمان آوردند و هیچ نکردند، تا کشته شدند. آن ایمان ایشان ایمان بود، و حق تعالی گفت: وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ. هر که به ایمان کافر شود کردارش حبطه گردد. این مقدار کفایت بود خردمند را.

مسألة چهل و دوم

آنست: که ایمان انبیاء و مؤمنان و صالحان و عامیان همان باشد و از جبرئیل همان باشد. و هر که گوید: ایمان بدکردار، کمتر از ایمان نیکوکاران باشد آن هوادار باشد. حق تعالی گفت: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. الْإِيه.

اندرین آیت مؤمنان اند فرشتگان، و فرشتگان افضل گرفتند بر کردار گرفتن. زیرا که ایمان همه یکی است. پس حق تعالی بفرمود مر رسول را که: خلق را ایمان تمام خوان یا ناتمام. زیرا که ایمان آنست. رسول علیه الصلوة والسلام گفت: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا مُخْلِصًا بِالْقَلْبِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. گفت: هر که لا اله الا الله خالصا مخلصا بگوید در بهشت شود.

و رسول علیه الصلوة والسلام ده سال به مکه خلق را دعوت کرد، پس کس بود که از ایشان بمرد. چه گوئی که با ایمان تمام مردند یا با ایمان ناتمام؟ اگر با ایمان تمام رفتند، همه یکی است. و اگر با ایمان ناتمام مردند، کسی که ایمان تمام ندارد،

لامحاله به دوزخ شوند. پس رسول عليه الصلوة والسلام خلق را باايمان خواند. باايمان خویش خواند، يابه جز ايمان خویش خواند؟

هرکه چنین گوید: گرویدم بدانکه پیغمبر گرویده است وجبرئیل ومیکائیل وباقی فرشتگان وپیغمبران. قوله تعالى: فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنُتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا. پس هرکه چنین گوید: آن که جبرئیل آورد ازخدای به محمد ، راستست ومن گرویده ام؟ هرچند آنکس زانی ومیخواره باشد وخونی بود، ايمان وی همانست وايمان پیغمبران همان. پس این مقداربس بود خردمندرا